گروه‌های سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از انتخابات مجلس دوازدهم می‌گویند

احزاب فعلا از مشارکت انتخاباتی دفاع می‌کنند

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

اگر مشارکتی در کار نباشد، برگزاری انتخابات و حضور کاندیداها معنایی ندارد. همین امر باعث شده که درصد و میزان مشارکت در دوره‌های مختلف انتخابات حائز اهمیت باشد، موضوعی که تقریبا در همه انتخاباتهایی که تاکنون برگزار شده مورد تاکید و توجه رهبر انقلاب قرار داشته است. حتی در شرایطی که اهمیت میزان مشارکت، برای برخی گروه‌های سیاسی در میانه رقابت برای تصاحب کرسی گم می‌شد یا اساسا مورد توجه قرار نمی‌گرفت، رهبر انقلاب فارغ از کشمکش‌ها و رقابت‌های سیاسی اصل حضور مردم پای صندوق‌های رای را مورد توجه قرار می‌دادند. حالا و در چند ماه باقی مانده تا انتخابات اسفند، می‌شود گفت میزان مشارکت مردم در انتخابات از اهمیت بیشتری نسبت به دوره‌های قبل برخوردار است به‌ویژه اینکه در جریان اتفاقات پاییز سال گذشته، رسانه‌های معاند و براندازان تلاش کردند، میان مردم و نظام حکمرانی شکاف ایجاد کنند. با در نظر گرفتن اینکه اساسا میزان مشارکت در انتخابات مجلس به نسبت انتخابات ریاست جمهوری، پایین‌تر است این احتمال وجود دارد که رسانه‌های معاند به دنبال تخریب وجهه کشور با استفاده از آمار مشارکت در این انتخابات باشند. افزایش میزان مشارکت البته به عوامل مختلفی ارتباط دارد، از جمله اینکه مردم این باور را داشته باشند که حضور و مشارکت آنها در صندوق‌های رای در حل مشکلات و نقص‌های موجود در کشور، موثر واقع خواهد شد. از طرفی نیز بازشدن فضا برای حضور احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف، به رقابتی شدن فضای انتخاباتی در کشور کمک کند، امری که البته لازمه آن حضور احزاب و گروه‌های سیاسی با ایده و برنامه مشخص در انتخابات است و صرفا دعواهای سیاسی و انتشار لیست‌های شب انتخاباتی برای ایجاد فضای رقابتی در انتخابات کافی به نظر نمی‌رسد. با در نظر گرفتن این موارد، انتخابات اسفند با تغییراتی نیز همراه شد. تصویب قانون جدید انتخابات مجلس و چندمرحله‌ای شدن ثبت‌نام باعث شد تا فرآیند بررسی صلاحیت‌ها تا حد زیادی جلو بیفتد. بعد از اتمام ثبت‌نام و آغاز بررسی صلاحیت داوطلبان توسط هیات‌های اجرایی نارضایتی‌هایی به وجود آمد تا آنجا که امام جمعه موقت تهران نیز، تصمیم‌های اجرایی را مورد نقد قرار داد و گفت: «رقابت پیش‌نیاز مشارکت پرشور می‌باشد که مقام معظم رهبری در دیدار اخیر اعضای شورای محترم نگهبان بر آن تاکید فرمودند. در این راستا باید اشاره کنم، تصمیمات بعضی از هیات‌های اجرایی، عالمانه، خردمندانه و همسو با این مبانی و اصول نبود و مورد نقد صاحب‌نظران دغدغه‌مند و مسئولان ارشد اجرایی قرار گرفت.» اسدالله بادامچیان، دبیرکل حزب موتلفه نیز نامه‌ای به دبیر و اعضای شورای نگهبان، نوشت و نسبت به نحوه اعلام نتیجه ابراز نگرانی کرد و نوشت: «پیشنهاد این بنده در محضر فقهای معظم و حقوقدانان محترم این است که در اعلام رد صلاحیت‌شدگان حرفی نیست، اما در مورد آنها که صلاحیت و عدم صلاحیت آنها محرز نمی‌باشد و مشمول عدم احراز صلاحیت می‌شوند؛ نگرانی دلسوزان نظام و ارادتمندان و وفاداران به انقلاب این است که اعلام عدم احراز صلاحیت درباره ثبت‌نام کنندگان، به تعدادی حدود ۲۰ هزار نفر برسد و اعلام چنین رقمی، قطعا موجب ایجاد فضای منفی در انتخابات آینده و کاهش مشارکت و فضای به‌شدت منفی علیه آن نهاد حافظ سلامت و امنیت انتخابات و نیز باعث سوءاستفاده گسترده دشمنان و معاندان می‌شود و همچنین رهنمود رهبر معظم انقلاب که مشارکت بالای مردم در انتخابات است، محقق نمی‌گردد.» رهبری نیز در دیدار اخیری که با اعضای شورای نگهبان داشتند به ضرورت برگزاری انتخابات پرشور تاکید کردند. نگاهی به تنوع واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های افراد منتسب به جناح‌های سیاسی مختلف نشان می‌دهد اهمیت افزایش مشارکت و شکل‌گیری رقابت سیاسی در اسفند از جانب احزاب سیاسی نیز احساس شده است. در این میان البته برخی سلایق سیاسی نیز وجود دارند که پیروزی خود را در کاهش میزان مشارکت تعریف می‌کنند و پیروزی در کارزار انتخاباتی برایشان اهمیت بیشتری از افزایش میزان مشارکت مردم در انتخابات اسفند دارد. کمتر از چهارماه تا انتخابات اسفند باقی مانده و هنوز نظرات نهایی بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان، اعلام نشده و موضوع اصلی مشارکت مردم در انتخابات اسفند است. مواجهه نهادهای نظارتی انتخابات، در بررسی صلاحیت‌ها نقش موثری در افزایش میزان مشارکت دارد. در سمت دیگر نقش‌آفرینی و کنش سیاسی فعالانه احزاب و گروه‌های سیاسی نیز در این کارزار موثر خواهد بود. به این بهانه پای حرف نماینده‌های برخی احزاب و جناح‌های سیاسی نشسته‌ایم و نظر آنها را درباره نوع کنش گروه‌های سیاسی و نهادهای نظارتی انتخابات به نحوی که بر مشارکت تاثیر مثبت بگذارد، جویا شده‌ایم. در ادامه مشروح گفت‌وگوهای «فرهیختگان» با نمایندگان اعتدال و توسعه، موتلفه اسلامی، اعتماد ملی، مبنا و ندای ایرانیان را می‌خوانید. با وجود پیگیری‌ها برای گفت‌وگو با اعضای جبهه پایداری انقلاب اسلامی، اما اعضای آنها پاسخگوی سوالات ما نبودند.

سعید آجرلو، مدیرمسئول روزنامه صبح نو: اصلاح‌طلبان رادیکال و سوپرانقلابی‌ها، مخالفان اصلی رقابت معنادار در انتخابات

سعید آجرلو، مدیرمسئول روزنامه صبح نو، در ابتدا اشاره‌ای به چهار راهبرد رهبر انقلاب (امنیت، سلامت، مشارکت و رقابت) برای انتخابات اسفند کرد و دو راهبرد مشارکت و رقابت را دارای همبستگی بیشتری دانست و چهار چالش برای تحقق مشارکت و رقابت بالا در انتخابات اسفند، روایت کرد: «چهار چالش برای اینکه به این دو استراتژی و راهبرد برسیم و بتوانیم آن را عملی کنیم، وجود دارد که یکی از آنها مساله‌دار بودن نهادهاست. وقتی از مردم سوال می‌کنیم که شما چگونه به نهادهای رسمی نگاه می‌کنید و رابطه نهادها با مشکلات شما چیست؟ شاید توصیف دقیقی نداشته باشند یا به تعبیری می‌شود گفت نمی‌توانند ارتباطی بین نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری و مشکلات خود برقرار کنند. در مورد مجلس با توجه به اینکه به انتخابات مجلس نزدیک هستیم، بخشی از انگیزه فرد رای‌دهنده به کارآمدی آن نهاد ربط دارد، بخشی به مسائل سیاسی و بخشی هم به مساله کارآمدی ارتباط دارد. در طول چهارسال گذشته، به نظر من نهاد پارلمان خیلی تخریب شده است. مجلس یازدهم قبل از انتخابات ۱۴۰۰ از سوی کسانی که فکر می‌کردند، قدرت گرفتن این مجلس می‌تواند زمینه اتفاقاتی شود که در انتخابات ۱۴۰۰ امتداد پیدا کند، تخریب شد. بخشی از تخریب‌کنندگان، گرایش‌های اصلاح‌طلبی و اعتدالی داشتند، بخشی هم درون جریان اصولگرایی بودند که مثال خیلی واضح آن موضوع دستکاری بودجه بود که یکی از نمایندگان تهران که با لیست اصولگراها وارد شده بود، اظهاراتی مطرح کرد و فضایی برای تخریب مجلس در اختیار جریان اصلاح‌طلب و طرفداران روحانی قرار داد. از طرفی اصلاح‌طلبان مرتب حرف‌هایی در مورد مجلس می‌زدند که این مجلس تندرو و ناکارآمد است و اضلاع مختلف آن با هم اختلاف دارند. در واقع روایت پارلمان و عملکرد پارلمان، از زبان تخریب‌کنندگانش شنیده شد و آن روایتی که بیرون آمد نه از داخل مجلس بلکه از سوی تخریب‌کنندگان و کسانی که قصدشان، نگرش‌های تخریبی بود، روایت شد. من فکر می‌کنم در این مسیر تخریب، گرایش‌های سوپرانقلابی که می‌توانیم اسم آنها را گرایش‌های افراطی بگذاریم کنار اصلاح‌طلبان و اعتدالیون قرار گرفتند که البته بخشی از آن هم قبل از ۱۴۰۰ اتفاق افتاد. درحالی که اولا مجلس چند طیف دارد. وقتی یک نماینده حرفی را می‌زند، ممکن است شاذ یا خاص باشد اما حرف همه مجلس نیست ولی می‌تواند جوری بازنمایی بشود که انگار یک طیف بزرگی در مجلس، این را مطرح کردند یا آن نماینده مجلس، مساوی با همه مجلس است. این موارد در هر مجلسی وجود داشته، افراد نظرات و حرف‌های خود را مطرح کردند اما لزوما حرف‌های کل آن نهاد نبوده. نکته بعد اینکه خیلی حرف‌ها و طرح‌هایی که شاید همین طیف رادیکال در مجلس مطرح کردند، در مقام عمل اجرا نشده و حتی بر آن مبنا قانون‌گذاری هم نشده اما در مرحله پیش از قانون‌گذاری یک کمپین تخریبی پیرامون آن به راه افتاده است.»

اگر تصمیم‌گیری‌های مجلس به مشکلات مردم ربط داده شود و نهاد مجلس تخریب نشود، مشارکت در انتخابات افزایش پیدا می‌کند

آجرلو بر این نکته تاکید می‌کند که اگر رویکردهای تخریبی علیه مجلس و ارتباط تصمیم‌گیری‌ها به مشکلات مردم بیشتر شود، در مشارکت تاثیر مثبتی می‌گذارد و می‌گوید: «نکته سوم این است که مردم احساس می‌کنند که مشکلات اقتصادی‌شان حل نشده و بخشی را شاید از چشم نهادها و دولت‌ها ببینند. این موارد موجب شده که معنادار بودن نهادها تا حدودی دچار چالش شود و خود این موجب شود که عملا انگیزه رقابت یا مشارکت پایین بیاید. پس ما اگر بخواهیم یک مشارکت و رقابت خلق کنیم، بخشی از آن همین معنادار بودن نهادهاست. یعنی اگر مجلس با رویکرد تخریبی معرفی نشود و اگر تصمیم‌گیری‌هایش به مشکلات مردم ربط داده شود، حتما می‌تواند در افزایش مشارکت موثر باشد.» مساله‌دار بودن رقابت نکته دیگری بود که آجرلو، آن را در افزایش میزان مشارکت و رقابت موثر می‌داند و توضیح می‌دهد: «از سال ۹۸ بعد از اینکه پروژه روحانی و اصلاح‌طلبان شکست خورد، بخشی از اصلاح‌طلبان که من آنها را ذیل آقای تاجزاده می‌بینم، به شدت رادیکال شدند و از صندوق کنار کشیدند. می‌شود گفت به نوعی یک تحریم خاموش، انجام دادند. دیگر گرایش‌های اصلاح‌طلب مثل جبهه اصلاحات نیز منفعل شدند و نتوانستند وارد فضای انتخابات شوند. در انتخابات ۱۴۰۰ هم آرایش صحنه به‌گونه‌ای بود که وضعیت واقعی نیروهای سیاسی و ارتباط آن با نیروهای اجتماعی در آن به طور کامل توضیح داده نمی‌شد و برخی از نیروهای سیاسی غایب بودند و برخی از نیروهای اجتماعی احساس کردند که مابه‌ازای سیاسی در این صحنه ندارند. بنابراین بخشی از آرایش آن صحنه و بخشی هم گرایش‌های رادیکال اصلاح‌طلب و ناامیدی آنها از روحانی موجب شد، معنادار بودن رقابت تحت‌الشعاع قرار بگیرد. این را نباید فراموش کنیم که آن سمت گرایش‌های اصلاح‌طلب رادیکال یک سری گرایش‌های سوپرانقلابی و راست افراطی هم وجود دارند که با معنادار بودن رقابت مشکل دارند و اساسا می‌خواهند که رقابت نهادهای انتخابی را تبدیل به رقابت درون جریانی کنند و مخالفند که جریان مقابل وارد بشود. من فکر می‌کنم با توجه به تاکید رهبر انقلاب، فضای کلی کشور حتما به سمتی خواهد رفت که عدالت و انصاف رعایت شود و حتما شاهد یک رقابت معنادار باشیم اما باید بدانیم که این امر دو رقیب جدی دارد، یکی اصلاح‌طلبان رادیکال که به دنبال بی‌معنا کردن انتخابات هستند و دیگری هم جریان‌های اصطلاحا سوپرانقلابی و راست افراطی.» آجرلو، از گروه سومی که به نوعی آنها را رقیب رقابت معنادار در انتخابات می‌داند نیز نام می‌برد و می‌گوید: «گروه سومی هم که به نظر من مشارکت بالا را تحت‌الشعاع قرار داده، گرایش عدالتخواهی کاذب است. آن چیزی که تحت عنوان تخریبگری در فضای سیاسی می‌بینیم، در طول سال‌های گذشته و خصوصا از اوایل دهه ۹۰ به بعد، جز مایوس کردن و سرخورده کردن مردم، نتیجه دیگری نداشته و عملا نتوانسته به مشارکت بالا بینجامد و از مشارکت کم هم کرده است. مثل همین پروژه‌های تخریبی که این طیف مدعی عدالتخواهی جلو بردند. مساله آخر هم این است که ما چالش گفتار گروه‌های سیاسی داریم یعنی احزاب و گروه‌های سیاسی در خلق گفتار جذاب و خلاقانه ضعف دارند و همین باعث می‌شود که نتوانند با نیروهای اجتماعی پیوند بخورند و آنها را ترغیب کنند تا وارد فضای سیاسی شوند.»

مساله سوپرانقلابی‌ها اصلا مشارکت بالا نیست

آجرلو در ادامه به کنش براندازها که در جریان اتفاقات سال گذشته به دنبال ایجاد شکاف میان مردم و نظام حکمرانی بودند و برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی که به دنبال کاهش میزان مشارکت مردم هستند، می‌پردازد و می‌گوید: «به نظر من اپوزیسیون، بخشی از اصلاح‌طلبان رادیکال که من اسم‌شان را تجدیدنظرطلب می‌گذارم که نمادشان آقای تاجزاده است، احمدی‌نژاد و جریان احمدی‌نژاد و برخی از جریان‌های سوپرانقلابی و راست افراطی، خودشان را رقیب مشارکت بالا می‌دانند و دنبال این هستند که بخش تحریمی و بخشی که به عرصه انتخابات نیامدند را مدیریت کنند. درواقع می‌خواهند از جنبه‌ای نیروهای سیاسی‌ای که در انتخابات حضور پیدا نمی‌کنند را مدیریت کنند و اتفاقا رقابت درونی هم دارند. احمدی‌نژاد می‌گوید که من می‌توانم اینها را مدیریت کنم، اپوزیسیون هم این ادعا را دارد، آن طیف اصلاح‌طلبان رادیکال هم این ادعا را دارند. حالا آن طیف به نظر من سوپرانقلابی و راست افراطی به این معنا دنبال نمایندگی تحریمی‌ها نیست، بلکه اساسا خیلی مساله‌اش مشارکت بالا نیست، چون به دنبال گرایش‌های ناب‌گرایانه و چیزی که تحت عنوان خالص‌سازی مطرح می‌شود، است و ابایی هم از طرح کردنش ندارد. این سه جریان با آن تحلیل و این جریان چهارم با یک تحلیل دیگر، خیلی مشارکت بالا مساله‌شان نیست. اما نکته این است که بعد از اتفاقات پاییز، بالاخره با یک اتفاق اجتماعی و بعد امنیتی مواجه بودیم که حتما ادامه سیاسی هم خواهد داشت، یعنی در حوزه سیاست هم خودش را یک جوری نمایش خواهد داد، همان طور که در حوزه اقتصاد خود را نشان داد، در حوزه بین‌الملل خود را نشان داد، در حوزه سیاسی، ابتدای کار موجب شد اصلاح‌طلبان به شدت رادیکال و تند بشوند به این خاطر که فکر می‌کردند، باید با اپوزیسیون رقابت کنند و می‌خواستند مرزهایشان را به نوعی با نظام سیاسی پررنگ کنند و از مرزها خارج شوند. بعد از اتفاقی که ۲۵ شهریور امسال افتاد و شکست سالگرد اتفاقات سال گذشته، به نوعی ائتلاف‌های درونی اپوزیسیون فروپاشید و علیه هم حرف زدند، اصلاح‌طلبان احساس کردند خطر کمتری از جانب اپوزیسیون آنها را تهدید می‌کند و می‌توانند کمی پایشان را داخل بیاورند، مقداری مرزهایشان را کمرنگ‌تر کنند و شاید فضای سیاست داخلی برای آنها مقداری بازتر از قبل شود. پس ماجراهایی که از پاییز سال گذشته اتفاق افتاد، به نظر من در یک سطح اپوزیسیون و اصلاح‌طلبان خود را نشان داد. الان اصلاح‌طلبان احساس می‌کنند که مردم و بخشی که از گروه‌های سیاسی ناامید بودند، نسبت به اپوزیسیون هم بدبین هستند و در پروژه اپوزیسیون شکست خوردند و بخش‌هایی از جامعه به عرصه انتخابات و سیاست داخلی وارد شده و به نوعی احیا خواهند شد. حالا اصلاح‌طلبان می‌خواهند جایی در سیاست داخلی آینده پیدا کنند. من فکر می‌کنم که در انتخابات مجلس، بیشتر از هر جریانی، اعتدالیون می‌خواهند این جریان را نمایندگی کنند. بخشی از اعتدالیون و بخشی از محافظه‌کاران کلاسیک که به آقای لاریجانی نزدیک‌ترند و شاید آقای باهنر یک بخشی را نمایندگی می‌کند، درنهایت می‌خواهند یک فراکسیون بزرگ اقلیت در مجلس بعد درست کنند و فضایی شود برای اینکه اصلاح‌طلبان بتوانند وارد فضای سیاسی کشور شوند. نکته مهم دیگر این است که مساله فلسطین برای اصلاح‌طلب‌ها فضایی شد که مرزهای خود را با نظام سیاسی کم‌رنگ‌تر کرده و ذیل آرمان فلسطین گفت‌وگوی مشترکی با نظام سیاسی پیدا کنند، جز معدود نفراتی از اینها که وارد نشدند. عمده این افراد موضع‌گیری نزدیک به حاکمیت با فاصله‌گیری خیلی کم داشتند، چون در این یک سال و خرده‌ای، اصلاح‌طلب‌ها این فراز و نشیب را در نسبت با جامعه و حکومت، داشتند.»

بالا بردن توقعات سیاسی توسط احزاب از نهاد مجلس، موجب ایجاد یاس میان مردم می‌شود

آجرلو درباره اینکه کنش و رفتار احزاب و گروه‌های سیاسی در انتخابات باید به چه نحوی باشد که بر افزایش مشارکت تاثیر بگذارد، می‌گوید: «به نظر من مهم‌ترین نکته این است که جریان‌های سیاسی موضع خود را به صورت صریح نسبت به مسائل مختلف بیان کنند یعنی اینکه به سیاست خارجی و به موضوعات اقتصادی چطور نگاه می‌کنند، موضع‌شان نسبت به توسعه چطور است، به همین موضوعات سیاست داخلی از جنس مشارکت و مردم‌سالاری دینی و اینها چه طور نگاه می‌کنند و به جناح‌های مخالف‌شان چگونه نگاه می‌کنند؟ این یکی از مشکلات خیلی جدی ما در سیاست داخلی است. ما در سیاست داخلی همیشه در هاله‌ای از ابهام حرکت می‌کنیم و موضع‌گیری صریح و شفاف را کمتر می‌بینیم، مخصوصا وقتی که وارد حوزه‌های رقابت درون جریانی می‌شویم. چه در میان اصلاح‌طلبانی که درون جریان خودشان با هم رقابت دارند و چه اصولگرایانی که با هم رقابت دارند، آن چیزی که می‌تواند در درجه اول نسبت به احزاب سیاسی مشارکت خلق کند این است که احزاب سیاسی دارای یک مانیفست سیاسی جدی، صریح، محکم و بدون رودربایستی باشند، چون این می‌تواند نسبتی خیلی مستقیم و صریح و شفاف را برقرار کند و بدنه اجتماعی آنها بداند که دارد به چه رای می‌دهد و به چه رای نمی‌دهد. ما در این حوزه خلأ داریم و احزاب سیاسی جدا از اینکه بخواهند به مشارکت دعوت کنند و یک سری حرف‌های روتین بزنند، بیشتر از هر چیزی باید بگویند که کادر ما برای اداره کشور این شکل و تفکرات را دارد و برای مجلس این طور فکر می‌کنیم و می‌خواهیم این قوانین را تصویب کنیم و با این قوانین مخالفیم که مردم بدانند اساسا با چه موضوعی مواجهند. نکته بعدی این است که اندازه قدرت هر نهاد را در نظر بگیرند، بالاخره مجلس نهاد اجرایی نیست، نهاد قانون‌گذاری است و قرار نیست در مجلس مسائل اجرایی کشور حل شود. قرار است که قوانینی تصویب شود که در دولت تبدیل به حل مساله مردم شده و به این قوانین نظارت هم شود، اینکه نماینده حزبی سیاسی، توقعات را از نهادی که سقف حرکتی‌اش مشخص است، بالا می‌برد طبیعتا بعد از مدتی موجب یاس خواهد شد. در کمپین‌های انتخاباتی، ممکن است افراد به تبعات حرف‌هایشان فکر نکنند، اینکه چقدر بلندپروازی‌هایی که دارند و وعده‌هایی که می‌دهند با واقعیت‌ها همپوشانی دارد. قرار نیست ما حرف‌های بزرگ بزنیم، وعده‌های بزرگ دهیم اما نتوانیم در عمل به آن پایبند باشیم. وقتی شما این طور صحبت می‌کنید و به مردم می‌گویید مجلس آنقدر اختیار و قدرت دارد و بخشی از آن را من به‌عنوان فلان حزب یا فلان نماینده می‌توانم جلو ببرم و نمی‌توانم چیزی بیشتر از این قرار دهم، چون در ساختارها قرار داده نشده است. این هم فکر می‌کنم مساله مهمی باشد که بعدا موجب یاس و افسردگی و سرخوردگی نشود.»

رمضانعلی سبحانی‌فر، عضو حزب اعتدال و توسعه: استدلال‌ها از نتایج بررسی‌های هیات‌های اجرایی چندان متقن و قوی نبود

رمضانعلی سبحانی‌فر، عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه نیز ضمن اشاره به تاکید رهبر انقلاب از ابتدای سال بر موضوع مشارکت، از گام اول و دوم در جریان انتخابات اسفند می‌گوید و اشاره می‌کند: «رهبری از ابتدای سال بر بحث مشارکت تاکید داشتند و یکی از مباحث مهم برای مشارکت بالا را بحث رقابتی بودن انتخابات مطرح کردند و یکی هم اینکه مردم و کاندیداها از سلامت برگزاری انتخابات مطمئن شوند. رهبری در هیچ دوره‌ای اینقدر زود این موضوع را مطرح نمی‌کردند. این دور ایشان خیلی زود این موضوع را مطرح کردند که هم کسانی که قصد کاندیداتوری دارند بتوانند در انتخابات شرکت کنند و هم عوامل اجرایی انتخابات این پیام را بگیرند که برای یک انتخابات پرشور، چه محورهایی باید مورد توجه قرار بگیرد. تا اینجا چند گام گذشته، یکی از گام‌های آن بحث ثبت‌نام بود که باید گروه‌ها و تشکل‌های مختلف احزاب و حتی افرادی که وابستگی به گروه‌ها و جناح‌ها نداشتند، ثبت‌نام کنند تا مردم آنها را انتخاب کنند و افراد شایسته و توانمند را؛ برخی افراد آمدند در ثبت‌نام‌ها مشارکت کردند، بعضی‌ها هم به هر دلیلی که خودشان می‌دانستند، ثبت‌نام نکردند. اما گام دوم الان بحث تایید صلاحیت‌هاست که در این مورد نیز یک گام هم پشت سر گذاشته شد و آن بحث هیات‌های اجرایی بود که به بررسی صلاحیت‌ها پرداختند. نتایج نشان می‌دهد اینجا خیلی خوب عمل نشده و حتی انتقادهای امامان جمعه به نتایج این بررسی‌ها را می‌بینید و در جاهای دیگر، مسئولانی هستند که خیلی رضایتمندی از عملکرد دستگاه‌ها و هیات‌های اجرایی ندارند، چون بعضا استدلال‌ها از نتایج بررسی‌ها، چندان متقن و قوی نیستند. افرادی داریم که دو سه دوره نماینده بودند، سمت‌های اجرایی در سطح معاون وزیر، رئیس سازمان و امثال اینها داشتند و عدم احراز خوردند به این معنی که شناخته نشدند. به نظر می‌رسد این امر خیلی توجیه‌پذیر نیست و برای مردم هم قابل قبول نیست. این یک بخش از کار بود که به درستی انجام نشد. بخش دوم در تایید صلاحیت‌ها، هیات‌های نظارتند که باید ببینیم به این تعدادی که ثبت‌نام کرده‌اند و به نوعی تایید صلاحیت یا عدم احراز خوردند و اعتراض شده، چگونه نگاه خواهند کرد و در بررسی‌هایی که انجام می‌گیرد با توجه به مستندات تایید صلاحیت خواهند شد یا نه. چگونگی تعیین صلاحیت‌ها گام بعدی است که به مردم و کاندیداها نشان خواهد داد که چقدر در صحنه رقابت مانده و چقدر حذف خواهند شد و این اگر بر مبنای اصول و مستندات قوی باشد، طبیعتا مردم هم می‌پذیرند ولی اگر بر مبنای آن مستندات قوی نباشد، مردم هم نمی‌پذیرند. اگر این روند ردصلاحیت‌ها ادامه داشته باشد، طبیعتا لیست‌ها خالی خواهد ماند و لذا نمی‌توان از گروه‌های سیاسی انتظار داشت که به میدان بیایند و لیست بدهند. امیدواریم که هیات‌های نظارت به طور منصفانه و مستدل بررسی بکنند و کاندیداهایی که اعتراض داشتند هم تایید صلاحیت بگیرند که بعد از آن وارد یک کارزار رقابت بشوند و بتوانیم یک انتخابات پرشور را در اسفندماه رقم بزنیم.»

تعداد قابل‌توجهی از افراد حزب اعتدال و توسعه در انتخابات ثبت‌نام کردند

سبحانی‌فر در ادامه به برخی از طیف‌های اصلاح‌طلبی که به دنبال عدم مشارکت در انتخابات مجلس بودند اشاره می‌کند و می‌گوید: «بعضی از گروه‌ها و افراد به هر حال از روز اول اعلام کردند. در صحنه حضور پیدا کردند. دبیرکل حزب اعتدال و توسعه در صداوسیما حضور پیدا کرد و اعلام کرد ما از همفکران خودمان، اقشار جامعه و افرادی که کارآمدی و توانمندی در خود می‌بینند و همینطور از هم‌حزبی‌های خودمان درخواست کردیم که برای ثبت‌نام حضور پیدا کنند. به نظر من آن کاری که باید صورت می‌گرفت توسط این احزاب مثل حزب اعتدال و کارگزاران صورت گرفت. فارغ از اینکه افرادی، اصلا بنای شرکت نداشتند و به بحث ثبت‌نام بی‌تفاوت بودند و به دوستان‌شان گفتند خودتان می‌دانید و تشکیلات ما توصیه‌ای به حضور یا عدم حضور ندارد و مشارکت نکردند. اما گروه‌هایی که شرکت کردند الان منتظرند ببینند چه تعداد از افراد، تایید صلاحیت می‌شوند و می‌توانند در میدان رقابت بمانند تا بعد، وارد فضای تبلیغات انتخابات شوند. یکی از راهکارها این است که بعد از تایید صلاحیت‌ها و تعداد افراد و گروه‌های شرکت‌کننده که توانستند لیست مناسبی ببندند، مناظرات مختلف در صداوسیما میان اینها شکل بگیرد، نه به این صورت که بخواهد تبلیغ فرد بشود، تبلیغ تفکر و خط مشی و روش آنها در شبکه‌های مختلف صورت بگیرد تا مردم را از روش منش خود مطلع بکنند.» سبحانی‌فر در پاسخ به اینکه سازوکار و برنامه حزب برای مشارکت در انتخابات مجلس چه خواهد بود نیز می‌گوید: «از حزب اعتدال و توسعه، تا اینجا تعداد قابل توجهی از تشکیلات حزب و کسانی که نزدیک به حزب هستند، ثبت‌نام کرده‌اند ولی تعدادی از اینها یا ردصلاحیت یا عدم احراز خوردند که اگر این تعداد افراد در بازنگری تایید نشوند به نظر من تعداد قابل توجهی برای لیست دادن نداشته باشیم اما امیدواریم در اعلام نتایج هیات‌های نظارت بازنگری صورت بگیرد. تا آن موقع حزب نمی‌تواند کاری انجام دهد تا اینکه برمبنای آن انتشار لیست ائتلافی یا مستقل صورت بگیرد و ببیند می‌تواند لیست بدهد؛ برمبنای آنچه مطلعم آقای نوبخت و آقای هروی تایید شدند.» سبحانی‌فر در پاسخ به این سوال که اگر قرار باشد لیست مستقلی از حزب اعتدال منتشر شود، با سرلیستی آقای نوبخت خواهد بود یا نه، گفت: «باید جلو برویم و ببینیم اصلا چه کسانی تایید می‌شوند؛ آیا به اندازه یک لیست خواهد بود؟ اگر فرضا پنج نفر تایید شوند که نمی‌شود لیست مستقلی داد. مثلا جعفرزاده ایمن‌آبادی تایید نشد، خود بنده عدم احراز خوردم، باید ببینیم که در جمع‌بندی نهایی چه تعدادی می‌مانند که بشود لیست مشترکی داد. اینها مواردی است که بعد از تایید صلاحیت مشخص می‌شود.»

ادامه در صفحه ۱۵

حمیدرضا ترقی، قائم‌مقام حزب موتلفه اسلامی: حضور احزاب تنها ۵ درصد بر میزان مشارکت اثرگذار است

حمیدرضا ترقی، قائم‌مقام حزب موتلفه اسلامی معتقد است با توجه به تغییر شکل فعلی انتخابات، مشارکت در حال افزایش است و می‌گوید: «به نظر می‌رسد قوانین جدیدی که در مجلس تصویب شده است، در انتخابات تاثیر قابل توجهی گذاشته است. در ابعاد مختلف به نظر می‌رسد که مشارکت به مرور در حال افزایش است. یکی از مشکلاتی که ما در جامعه داشتیم، عدم اطلاع برخی از مردم از مساله انتخابات در کشور بود که پیش‌ثبت‌نام انتخابات، بخشی از آن را حل کرده است. قبلا به‌گونه‌ای بود که خیلی‌ها از انتخابات اصلا اطلاع پیدا نمی‌کردند؛ یا به علت مشغله‌های کاری زیادی که داشتند یا اینکه شاید کمتر به اخبار و تلویزیون توجه می‌کردند. طبق آمارهایی که گرفته شده اصلا نیمی از مردم اطلاعی درباره وجود انتخابات در سال ۱۴۰۲ ندارند. این مساله پیش‌ثبت‌نام، باعث شده موجی در کشور پدید بیاید. خصوصا با نقشی که صداوسیما در رابطه با تبیین این مساله ایفا کرد و موجب شد جریان‌های مختلف وارد صحنه شوند و دیدگاه‌های خودشان را نسبت به انتخابات بیان کنند، توانست اطلاع‌رسانی به عموم جامعه را انجام بدهد و بخش قابل توجهی از مردم را متوجه این موضوع کرد و خود همین موجب بالا رفتن میزان مشارکت مردم در انتخابات خواهد شد. از طرفی هجومی که در پیش‌ثبت‌نام از طرف قشرهای مختلف مردم آورده شد، بی‌سابقه بود. این هم به‌طور طبیعی درصدی را به میزان مشارکت مردم می‌افزاید. از این به بعد مشارکت به چند عامل دیگر بستگی دارد که طبیعتا عامل اول آن نقش دولت در حل مشکلات معیشتی مردم و ایجاد امید در وضعیت اقتصادی جامعه در آینده است که به نظر می‌رسد دولت تلاش‌هایی را در این زمینه انجام داده ولی هنوز نیاز به اقدامات بیشتری است که بتواند در سفره مردم تاثیرات خودش را بگذارد و مردم احساس کنند می‌توانند در انتخابات آینده به بهبود وضعیت اقتصادی خودشان کمک جدی‌تری داشته باشند. عامل دیگر ایجاد آن نشاط و شادابی در احزاب و گروه‌های سیاسی برای فعالیت انتخاباتی است که این هم با توجه به اینکه در سطح کشور میزان نفراتی که ثبت‌نام کردند و وارد رقابت انتخاباتی شدند، نسبت به دوره‌های قبل بسیار زیاد هستند، یک رقابت جدی هم بین شهرهای هر حوزه انتخابیه در حال صورت گرفتن است. خصوصا در شهرهای دارای یک نماینده که تقریبا می‌توان گفت ۲۵۰ نماینده ما، نمایندگانی هستند که از شهرستان‌های کوچک که فقط یک نماینده دارند، انتخاب می‌شوند. رقابت بین شهرهای شهرستان‌های مختلف برای انتخاب یک نماینده افزایش چشمگیری پیدا کرده که این هم در واقع موجب شده که میزان مشارکت را در این شهرها به لحاظ رقابت ناسیونالیستی که دارند افزایش دهد.»

در قانون جدید، دست شورای نگهبان برای برخورد با بداخلاقی و تخریب‌های انتخاباتی بازتر شده است

ترقی در ادامه با اشاره به موارد و عواملی که می‌توانند در افزایش میزان مشارکت موثر باشد، به این نکته اشاره می‌کند که براساس قانون جدید انتخابات، دست شورای نگهبان برای مقابله‌ها با بداخلاقی‌ها و تخریب‌های انتخاباتی بازتر شده و می‌گوید: «عامل دیگری که موثر است، بحث شیوه انتخابات و شیوه تبلیغات انتخاباتی است که در قانون انتخابات جدید مورد توجه قرار گرفته و یک عدالت تبلیغاتی در انتخابات را توانسته در قانون پدید بیاورد تا افرادی که جدید وارد عرصه رقابت می‌شوند، خیلی ناامید نباشند از اینکه بتوانند در این مدت چندماه خودشان را به مردم عرضه کنند و مردم آشنایی‌های لازم را مثل نماینده‌های فعلی که الان در مجلس هستند، با آنها پیدا کنند. این هم در واقع موجب می‌شود که به‌طور طبیعی انگیزه برای رقابت چه در بین خود نامزدها و چه در بین طرفداران نامزدها افزایش پیدا کند و موجب پرشوری حداکثری در انتخابات شود. عامل دیگری که به نظر می‌رسد در این رابطه بسیار مهم است، همان چهارعنصری است که مقام معظم رهبری در ابتدای سال مطرح کردند که انتخابات را باید در امنیت، سلامت، رقابت و مشارکت بالا برگزار کرد. براساس قانون جدید انتخابات، دست شورای نگهبان برای اینکه جلوی تخریب‌ها و بداخلاقی‌های انتخاباتی و نقش پول و ثروت در رای‌آوری را به نحو مطلوبی بگیرد و نگذارد که رای‌آوری به اتکای ثروت و پول خرج کردن و این‌طور مسائل باشد و نماینده‌ها مدیون کسانی شوند که برای آنها پول خرج و سرمایه‌گذاری می‌کنند، باز شده است. این شیوه‌ها هم به نظر می‌رسد که در قانون جدید به‌گونه‌ای برای شورای نگهبان این امکان را فراهم کرده که در طی فعالیت‌های انتخاباتی هم بتواند در نظر خود درخصوص نامزدها تجدید نظر کند و این کمک می‌کند که رعایت هزینه درست کردن و سلامت انتخابات حتی به لحاظ مالی و اقتصادی هم مورد تضمین قرار بگیرد. به‌طور طبیعی مردمی که تصور می‌کردند در گذشته فقط با پول و پلو دادن و انواع و اقسام این نوع هزینه‌ها می‌شود رای جمع کرد، در این دوره این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها را ندارند و طبیعتا مشارکت آنها به‌طور قطعی افزایش قابل توجهی پیدا خواهد کرد. درنهایت به نظر می‌رسد که شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی ما، وضعیت غزه و جبهه مقاومت به‌طور طبیعی در روحیه مردم برای مشارکت بیشتر در انتخابات تاثیر مثبتی گذاشته است.»

احساس مسئولیت مردم است که مشارکت را بالا می‌برد

قائم‌مقام حزب موتلفه در واکنش به اعلام نظر هیات‌های اجرایی در عدم احراز یا ردصلاحیت برخی داوطلبان نیز می‌گوید: «دستگاه نظارتی ما به‌طور طبیعی باید مطابق با قانون عمل کند. هیچ‌کس نمی‌تواند انتظار داشته باشد که دستگاه نظارتی و اجرایی از قانون عدول کند. چون به محض عدول از قانون، آن طرف هم شاکی خواهد بود و اعتراضات متعددی وجود خواهد داشت. نتیجه این نوع نگاه و اعتراضات بعضا ناشی از این است که افراد از قوانین جدیدی که در مجلس تصویب شده، بی‌اطلاع هستند و تصور می‌کنند که مثلا براساس قانون قبلی انتخابات باید نسبت به رد یا تایید صلاحیت‌ها اظهارنظر کنند. چون قانون جدید است و امسال به اجرا گذاشته شده، بعضی‌ها از پیش‌بینی‌هایی که در قانون شده است اطلاع کاملی ندارند و به همین خاطر ممکن است از ابتدا دچار یک سری تردیدهایی شده باشند و نقد کنند، درحالی‌که فرصت بسیار کافی در این دوره به نهادهای نظارتی و مراجع چندگانه داده شده که آنها نظرات‌شان را دقیق‌تر و پخته‌تر نسبت به افراد ارائه دهند و با یک فاصله کم و با یک مهلت کم و سرسری آن را تایید یا رد نکنند. نکته دوم اینکه صلاحیت فرد در دو مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرد. مواردی که در این دوره بر اثر فرصت بیشتر مورد دقت قرار گرفته، در دوره‌های گذشته امکان آن نبوده است. بسیاری از مستنداتی که افراد باید ارائه می‌دادند تا واجد شرایط باشند، نشان داده که برخی از داوطلبان، برخی مدارک و مستندات قبلی‌شان اصلا صحت نداشته و درست نبوده است. نکته دیگری که در این دوره اضافه شده است، بحث پنج سال سابقه مدیریت و کار اجرایی است که ما در هیچ دوره‌ای این موضوع را نداشتیم و برخی از افرادی که صلاحیت‌شان تایید نشده، علتش این بوده که حتی یک نامه از سوی جایی که در آن کار می‌کردند، بارگذاری نکردند که سوابق‌شان به لحاظ اجرایی مورد تایید قرار بگیرد. بنابراین ملاک‌هایی که در این دوره مورد توجه قرار گرفته، خیلی بیشتر از موارد گذشته است و اصلا قابل قیاس با گذشته نیست و طبیعتا برای اینکه اگر فردی در این دوره اجحافی در حقش شد یا قضاوت درستی درباره‌اش نشد یا مدرک واقعی‌اش قبول نشد و احیانا اعمال سلیقه و نظر سیاسی در هیات‌های اجرایی صورت گرفت، فرصت کاملی داده شده که به هیات نظارت شورای نگهبان شکایت کند تا مجدد این موارد را بررسی کند که این فرصت بسیار خوبی است.» ترقی معتقد است حضور جناح‌های سیاسی در انتخابات، تنها پنج درصد بر میزان مشارکت اثر می‌گذارد و توضیح می‌دهد: «تا الان پنج هزار نفر در همین موضوع شکایت ثبت کرده‌اند و شورای نگهبان در فرصت مناسب می‌تواند نسبت به همه اینها اظهارنظر کند و به نظر می‌رسد این فرآیند هیچ دغدغه و نگرانی را برای شاکیان باقی نمی‌گذارد و اگر ما انتظار داشته باشیم از شورای نگهبان و دستگاه‌هایی که موظف به اجرای قانون هستند که مصلحت‌اندیشی کنند و پیچ بررسی را شل کنند، انتظار درستی نیست چون آنها باید طبق قانون عمل کنند. آنچه که باید در افزایش مشارکت و نشاط عمومی جامعه نقش اصلی داشته باشد، فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در این رابطه است. اصولا طبق نظرسنجی‌ها و پیمایش‌ها، وجود نامزدها از جناح‌های مختلف کلا پنج درصد در میزان مشارکت تاثیرگذار است و انگیزه و احساس مسئولیت مردمی است که میزان مشارکت را بالا می‌برد.»

محمدصادق جوادی حصار، سخنگوی حزب اعتماد ملی: اصلاح‌طلبان ادعای ایجاد تغییر داشتند اما نتوانستند

محمدصادق جوادی حصار، سخنگوی حزب اعتماد ملی در توضیح اینکه افزایش میزان مشارکت در انتخابات وابسته به چه عواملی است، گفت: «اول اینکه معمولا امور مشارکتی از جنس انتخابات دستوری نیستند و ما نمی‌توانیم دستور بدهیم و توقع داشته باشیم مردم بیایند. اصلا این‌گونه نیست. این موارد انگیزشی است مردم باید انگیزه داشته باشند برای رای دادن. باید ببینیم در شرایط کنونی انگیزه مردم برای شرکت در انتخابات وجود دارد یا نه یا حداقل قرائت مردم از مشارکت‌جویی حاکمیت چه نوع قرائتی است؟ مثبت است یا نه؟» وی در پاسخ به این سوال که این انگیزه چگونه شکل می‌گیرد، گفت: «عموم مردم به دولت‌هایشان و به مسائل جاری کشورشان از نگاه منفعتی می‌نگرند. این امر برایشان اهمیت دارد که آیا مشارکت آنها در انتخابات اقتصاد و آرامش آنها را بهبود می‌دهد یا نه. فایده‌جویی از یک رفتار اجتماعی یک امر کاملا اخلاقی و مثبت است. نمی‌شود به انسان‌ها تکلیف کرد و آنها هم بگویند چشم. این امر با فطرت بشر که مبتنی بر آزادیخواهی و منفعت‌جویی است منافات دارد، البته منظوم منفعت مثبت است، مثلا رشد سیاسی و اجتماعی و امنیت هم ذیل همین منفعت مردم است که مجموعش می‌شود منافع ملی. مردم زمانی که منافع خودشان را ببینند این باور را پیدا می‌کنند که باید در انتخابات شرکت کنند. اگر شرکت نمی‌کنند دلیلش این است که احساس می‌کنند منفعتی ندارد. هیچ عقل سلیمی از منفعت مثبت و آرامش‌بخش فرار نمی‌کند، بنابراین اگر تاکید بر مشارکت داریم باید ببینیم که مولفه‌های تامین‌کننده منفعت تا چه حد تامین شده است. اگر این موارد باشد مردم در انتخابات شرکت می‌کنند و به‌زور هم نمی‌شود مانع‌شان شد.» او در ادامه منافع ترغیب‌کننده مردم به حضور در انتخابات را این‌گونه تشریح کرد: «آرامش آفریدن، رفاه ایجاد کردن و امنیت خاطر هم باعث افزایش مشارکت می‌شود که بستگی به شیوه عمل کاندیداها، شورای نگهبان و دستگاه‌های مجری انتخابات دارد. اگر این افق ترسیم نشود و این مولفه‌ها توسط مردم حس نشوند، بعید است که مردم بخواهند بدون هیچ انگیزه‌ای در انتخابات شرکت کنند.»

نقش احزاب در بالا بردن میزان مشارکت

اگرچه جوادی حصار مشارکت در انتخابات را وابسته به تامین منافع مردم می‌داند، این وابستگی باعث نمی‌شود نقش احزاب سیاسی را به‌عنوان طراحان ایده تامین منافع مردم نادیده بگیریم. سخنگوی حزب اعتماد ملی این سوال را که چقدر احزاب سیاسی می‌توانند در ایجاد این باور که منفعت در مشارکت است نقش ایفا کنند، این‌گونه پاسخ می‌دهد: «احزاب سیاسی جدا از توده مردم نیستند. احزاب سیاسی در تمام دنیا برآمده از متن جامعه هستند. اصلا نمی‌توانند در چهارچوب حاکمیت جا بگیرند. احزاب در دنیا این‌گونه شکل می‌گیرند یا درپی تغییر قدرت یا درپی تسخیر قدر یا درپی مشارکت در قدرت یا درپی تاثیر بر قدرت هستند. قدرت به معنی مثبتش منظورم است. اشتباهی که وجود دارد این است که احزاب را هم مثل سایر دستگاه‌های حاکمیتی فرمانبر تلقی کنیم. مثلا وزارت آموزش‌وپرورش مامور است که سر کلاس درس بدهد و به بچه‌ها، وزارت جهاد مامور به ترویج کشاورزی است، وزارت دفاع مامور به تقویت بنیه امنیتی کشور است اما احزاب مامور نیستند که مردم را به مشارکت ترغیب کنند. احزاب برآمده از آرا و نظرات مردم هستند. اگر احزاب با مردم باشند باید کاری بکنند که نشانه اراده و قدرت مردم باشد. آنها در انتخابات مشارکت می‌کنند، درصورتی که منفعت آنها را درپی داشته باشد. منفعتی سیاسی و اجتماعی که ملی و درازمدت بوده و آحاد مردم ازجمله اعضای آن حزب را دربرمی‌گیرد. اگر حزب به هیچ یک از اضلاع چهارگانه یعنی تاثیر، تسخیر، تغییر و مشارکت در قدرت نتواند دست پیدا کند، اثر وجودی‌اش از بین می‌رود.»

احزاب اصلاح‌طلبی ادعای ایجاد تغییر داشتند اما نتوانستند

سخنگوی حزب اعتماد ملی با مرزگذاری بین مردم و حکمران و تعریف احزاب در خارج از چهارچوب حکمرانی این سوال را به‌وجود می‌آورد که پس اساسا نقش احزاب در حکمرانی چیست و چرا برخی نمایندگان همین احزاب وعده‌های اصلاح امور را برای ورود به نهادهای حکمرانی می‌دهند؟ جوادی حصار در این‌باره معتقد است: «مردم چرا باید به گفته‌های حزبی گوش دهند که مدعی تامین رفاه آنها می‌شود اما اقدامی نمی‌کند؟ این باعث می‌شود که مردم نسبت به کارآمدی احزاب ناامید شوند. احزاب ما چقدر توانسته‌اند بخشی از مردم را با خود همراه کنند؟ اتفاقا در این چندسال اخیر اصلا نتوانسته‌اند. به خاطر اینکه احزاب ما به‌ویژه احزاب اصلاح‌طلب در چندسال گذشته ادعای ایجاد تغییر داشته‌اند. مردم هم به آنها رای داده‌اند و بعد دیده‌اند این احزاب رفته‌اند داخل مجلس بعد گفته‌اند نمی‌گذارند کار کنیم. دولت درست کرده‌اند همین حرف را زده‌اند. مردم هم گفته‌اند ای بابا! ما مدام می‌رویم به اینها رای بدهیم اینها می‌گویند نمی‌گذارند کار کنیم. خب وقتی چنین ادعایی دارند چه دلیلی دارد ما دوباره حرف‌شان را گوش و به آنها رای دهیم؟ اصلا قبول دارند یک فرد خوب است اما می‌گویند آقای آدم خوب من می‌خواهم به آن سر کشور بروم یا مرا برسان یا کمکم کن یا ماشینت را بده تا من بروم. شما نه کمک می‌کنید و نه وسیله در اختیارم قرار می‌دهید، پس به چه دلیلی باید با شما همراه شوم؟ وقتی تو قدرت حرکت نداری. مردم مطالبه دارند و می‌گویند ما می‌خواهیم رفاه و امنیت اجتماعی داشته باشیم. ما می‌خواهیم تصمیم‌گیری عادلانه در سطح ملی در مردم رقم بخورد. کدام یک از احزاب اصلاح‌طلب می‌توانند به این مولفه‌ها عمل کنند و بگویند می‌توانند کار خاصی انجام دهند، مثلا نظارت استصوابی را به رفراندوم می‌گذاریم یا تغییری در قوانین حجاب اعمال می‌کنیم. چه کسی می‌تواند چنین قولی بدهد؟ هیچ حزب اصلاح‌طلبی نمی‌تواند چنین وعده‌ای بدهد. من مطمئنم اگر حزبی چنین وعده‌ای بدهد مردم باور نمی‌کنند چون وعده‌های قبلی از این دست را دادند و بعد گفتند عده‌ای نگذاشتند. اوج توافق بین‌المللی برجام بود که منفعت محسوسش را همه ایران حس کردند. به محض امضای برجام مراودات بین‌المللی افزایش یافته و هجوم سرمایه‌گذاران خارجی با ایران را شاهد بودیم. مردم رشد اقتصادی، رفاه و امنیت اجتماعی را دیدند اما یک عده گفته‌اند ما کفن می‌پوشیم اگر این اتفاق بیفتد. کاری کرده‌اند که برجام بی‌نتیجه ماند. مردم فایده می‌خواهند وقتی می‌بینند نمی‌شود می‌گویند ولش کن اینها فقط الکی شعار می‌دهند و کاری از آنها برنمی‌آید.»

ضربه میدان خالی‌کن‌ها به مشارکت

جوادی حصار در پاسخ به این سوال که تاثیر عدم مشارکت برخی طیف‌ها و خالی کردن میدان‌ها توسط آنها چقدر به مشارکت آسیب می‌زند، گفت: «حتما همین‌طور است اما اینکه چگونه به مردم تفهیم شود که عدم ورودشان به صحنه رفتارهای ضدمنافع ملی را تثبیت می‌کند محل سوال است. اما چگونه بدون تریبون می‌شود این را به مردم گفت. با همه این حرف‌ها عده زیادی ثبت‌نام کردند اما بازهم ردصلاحیت‌ها زیاد بود. با وجود این چگونه از مردم بخواهیم در مشارکت شرکت کنند؟ آمار را بالا می‌برند و می‌گویند ۲۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کردند. اصلا ۲۰ هزار نفر نه، ۳۰ هزار نفر شرکت کنند. فردی که از خواسته‌های اجرایی مردم حرف می‌زند و امکان اجرایش را به لحاظ سیاسی دارد، آیا امکان حضور در انتخابات را دارد؟ نه، ردصلاحیت می‌شود. پزشکیان چند دوره نماینده مجلس بوده و سابقه وزارت دارد، چرا باید این دوره رد شود؟ این را بیایند به مردم توضیح دهند. به مردم تبریز چگونه باید بگوییم پزشکیان رد شده است و بیایید به فردی نهایتا مشابه او رای دهید. مردم می‌گویند اگر کسی قرار است مثل پزشکیان کار کند خودش بود، چرا ردصلاحیتش کردید؟ معلوم است که می‌خواهید او نباشد، چون این از شما امربری نمی‌کند. می‌گوید قانون این است و من هم به‌عنوان نماینده مجلس حامی منافع مردم هستم. با دولت هم مخالفتی ندارم. با حاکمیت هم مخالفتی ندارم اما من زبان مردمم. من نماینده مردم هستم. بالاخره چیزی وجود دارد به نام دولت، ملت. دولت و اصلا قدرت یک موجودی است که وقتی شکل گرفت باید کنترلش کرد. نمایندگان هم زبان مردم برای کنترل قدرت و به نظم و نسخ کشیدن قانون هستند. تدوین قانون خوب، تدوین برنامه خوب و کنترل دولت برعهده آنهاست و در راس امورند. آیا مجلس در راس امور است؟ نماینده‌ای که یک نطق می‌کند یا ایده استیضاح وزیر را مطرح می‌کند ردصلاحیت می‌شود و می‌گویند پایش را از گلیمش درازتر کرده است. حریم یک نماینده کجاست؟ مردم درک دارند و می‌فهمند که چه اصلاح‌طلب، چه اصولگرا وقتی وارد مجلس می‌شود تحت تاثیر کانون‌های قدرتی قرار می‌گیرد که مجلس را مجری اوامر می‌خواهند. زمانی هم که این‌گونه باشد مردم رای نمی‌دهند و می‌گویند بزار خوب و بدش به حساب خودشان گذاشته شود نه مردم. نگویند مردم آمدند ما را انتخاب کردم. هر حوزه انتخابیه‌ای حداقل بالای ۴۰ هزار رای‌دهنده دارد. وقتی فردی با ۱۰ هزار رای وارد مجلس می‌شود نماینده چند درصد مردم است؟ اصلا چه درکی از منافع کلان کشور دارد؟ اینها مواردی است که مردم را خسته کرده است.»

برای حل مشکل قاعده می‌خواهیم نه استثنا

با توجه به آنکه ردصلاحیت کاندیداها توسط هیات‌های اجرایی در حوزه‌های انتخابیه صورت گرفته، امکان اصلاح ایرادات و پذیرش اعتراضات توسط شورای نگهبان وجود دارد. جوادی حصار این امر را رد نکرده اما آن را استثنائی می‌داند و در این‌باره معتقد است: «پذیرش اعتراض‌ها استثناست نه قانون. استثناها مشکلی را حل نمی‌کنند. چندسال قبل مجمع تشخیص مصلحت مصوبه‌ای را تایید کرد که مطابق آن برای تایید صلاحیت افراد صرفا باید از چهار منبع ثبت احوال، وزارت اطلاعات، دادگستری و وزارت خارجه استعلام گرفته شود. اگر فردی در این منابع چهارگانه مشکلی نداشت موظف به تاییدش هستیم، چون امر بر برائت است. اما به این عمل نشد. بعد هم گفته است که اگر کسی تایید نشد باید دلایلش به او گفته شود الان می‌گویند عدم احراز. عدم احراز که دلیل نیست. اگر من کسی را نشناسم آیا این دلیل می‌شود که او فرد بدی است؟ ۹۰ درصد افراد با دلیل عدم احراز صلاحیت رد می‌شوند. حال آنکه وظیفه احراز صلاحیت برعهده نهادهای مجری انتخابات است. مردم همه صلاحیت دارند، اگر تو اطلاع نداری این به معنی بی‌صلاحیتی مردم نیست. این را چگونه باید تفهیم کرد.»

سعید نورمحمدی، سخنگوی حزب ندای ایرانیان: براندازان، برخی از اصلاح‌طلبان و تندروهای داخلی به‌دنبال مشارکت پایین هستند

سعید نورمحمدی، سخنگوی حزب ندای ایرانیان دیگر نماینده حزبی بود که در باب مشارکت و اتفاقاتی که می‌تواند در چندماه باقی مانده به انتخابات مجلس اتفاق بیفتد و روی مشارکت تاثیر مثبت بگذارد، گفت‌وگو کردیم. نورمحمدی در ابتدا از افرادی صحبت می‌کند که همواره به‌دنبال کاهش مشارکت در انتخابات بودند و می‌گوید: «در دو دهه گذشته مشارکت پرشور و حداکثری مردم در انتخابات، سیاست اصلی نظام سیاسی و دولت‌ها در انتخابات بود؛ البته در همان زمان هم افرادی بودند که این سیاست را نمی‌پسندیدند و انتخابات حداقلی با نتیجه مطمئن و تضمین شده را دنبال می‌کردند. اما هیچ وقت توان تحمیل این دیدگاه را در سیاست‌های کلان کشور نداشتند و در اقلیت کامل بودند. دلیل اصلی منزوی بودن این دیدگاه خطرناک دو مساله بود. اول نگاه و سیاست رهبری انقلاب که در برخی موارد افرادی با این دیدگاه را توبیخ هم می‌کردند. مساله دوم هم رشد رسانه‌های مکتوب و مجازی از دوم خرداد ۷۶ به این سمت بود. ما با حرکت آگاهی روبه‌رو شدیم. نسل جوانی که از دوم خرداد، نتایج انتخابات مهم را رقم زد به نوعی در برابر پدرسالاری سنتی حاکم، ایستادگی کرد و صندوق رای را مهم‌ترین ابزار کنترل تندروهای حاکم می‌دانست. توقیف مطبوعات و فیلترینگ هم به همین دلیل اتفاق افتاد که حرکت آگاهی جامعه را دچار مشکل کند، اما موفق نبود. اساسا هم هیچ جریانی نمی‌تواند در برابر آگاهی مردم مقاومت کند، اما در سال‌های اخیر به خصوص در انتخابات سال ۹۲ و سال ۱۴۰۰ ما با قدرت یافتن کامل همان جریانی روبه‌رو شدیم که به‌دنبال نتیجه انتخابات مطمئن در برابر انتخابات پرشور بود. سیاستی که نقطه مقابل سیاست رهبری انقلاب بود. به همین دلیل بود که توصیه به جبران در انتخابات ۱۴۰۰ هم نتیجه‌بخش نبود و عملا ما با انتخاباتی روبه‌رو بودیم که از قبل نتیجه کاملا مشخص بود. باوجود این آنقدر از نتیجه انتخابات نگران بودند که دو کاندیدای پوششی هم به‌نفع کاندیدای مدنظر کنار رفتند. این توضیحات را دادم که بگویم جریان معتقد به انتخابات با نتیجه مطمئن، این دستاورد را به‌راحتی به‌دست نیاورده است که بخواهد راحت از دست بدهد و اجازه دهد انتخابات پرشوری در کشور شکل بگیرد. متاسفانه این جریان ابزارهای زیادی از رسانه و نهادهای حاکمیتی را در دست دارد و هم با ناامید کردن مردمی که به آنها رای نمی‌دهند و هم با حذف کاندیداهای رقیب سیاست انتخابات مطمئن را در پیش گرفته‌اند.»

در شرایط فعلی هرکسی به دنبال حفظ جایگاه واقعی صندوق رای و انتخاباتی با مشارکت حداکثری مردم باشد، از جبهه‌های مختلفی مورد حمله قرار می‌گیرد

نورمحمدی در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که تاکید بر اهمیت افزایش میزان مشارکت از جانب برخی گروه‌های سیاسی تنها در حد شعار است و می‌گوید: «مجلس و دولت فعلی هم در اختیار آنان است که با همین سیاست انتخابات حداقلی و مطمئن روی کار آمده‌اند و با مشارکت پایین مردم پیروز شده‌اند. از این دولت و مجلس نمی‌توان انتظار برگزاری انتخابات پرشور داشت. ماهیت وجودی منتخبان این دو نهاد در مشارکت پایین بوده است. طبیعی است که رابطه‌شان با مشارکت حداکثری، رابطه جن و بسم‌الله باشد. طرح‌ها و لوایحی مثل صیانت و حجاب و عفاف و برخورد چکشی با جامعه به همین دلیل است که از اقدام درون سیستم ناامید شوند و پای صندوق حضور پیدا نکنند. صحبت‌های مجری تلویزیونی مبنی بر این که کشور مال یک گرایش خاص فکری است هم بازتاب نگاه همین جماعت است. آن مجری و افرادی مثل او تربیت یافته همین مکتب سیاسی هستند. به همین دلیل ادعای مشارکت بالا توسط جریانات رقیب را هیچ وقت نباید صادقانه تلقی کرد. تنها یک شعار است و اتفاقا از تحقق این شعار وحشت دارند. به نتیجه انتخابات مجلس دهم و یازدهم در شهر تهران نگاه کنید؛ آرای جریانات انقلابی نما تغییری نکرده است. اما در یک انتخابات سرلیست‌شان نفر سی و یکم تهران است. اما در انتخابات بعدی با همان مقدار رای، ۳۰ نفر اول تهران متعلق به لیست آنان است. متاسفانه در حال حاضر جریانات انقلابی تندروی داخلی با جریانات برانداز درمورد انتخابات همسو هستند. همه آنها مشارکت پایین می‌خواهند. اکثریت مردم هم به دلیل کم‌لطفی‌هایی که در سال‌های اخیر دیده‌اند، دلسرد شده‌اند. شکستن این فضا، اصلا کار ساده‌ای نیست. در این میان اکثریت اصلاح‌طلبان هم با آنها همسو شده‌اند. پس از اعلام بررسی صلاحیت اولیه کاندیداها توسط هیات اجرایی متوجه شدیم در برخی استان‌ها مثل آذربایجان غربی، حتی یک کاندیدای اصلاح‌طلب ثبت‌نام نکرده است. خب نتیجه انتخابات در این استان‌ها از همین الان مشخص است و عملا رقابت بین این کاندیدای اصولگرا و آن کاندیدای اصولگرا خواهد بود که هر دو به لوایحی مثل حجاب و عفاف رای مثبت خواهند داد. در شرایط فعلی هر کسی به دنبال حفظ جایگاه واقعی صندوق رای و انتخاباتی با مشارکت حداکثری مردم باشد، قطعا از جبهه‌های مختلفی مورد حمله قرار می‌گیرد. کاندیداهایش رد صلاحیت می‌شوند. مورد هتاکی و اتهام قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود منزوی شود. حزب ندای ایرانیان از ابتدا دنبال مشارکت حداکثری بود اما به نظر می‌رسد باید بپذیریم توان انجام این کار را نداریم. وقتی امثال دکتر پزشکیان رد صلاحیت شده‌اند و در اکثر حوزه‌ها عملا کاندیدایی یا ثبت‌نام نکرده یا ردصلاحیت شده، جامعه هم هیچ پیام دلگرم‌کننده‌ای از سوی مسئولان دریافت نمی‌کند، دنبال‌کنندگان انتخابات حداقلی و مطمئن به خواسته خود خواهند رسید.»

ادامه از صفحه ۱۴